

حرف درشت

خانه مرغی



پوریا عالمی

● دیروز با آقای بنگاه‌ی رقتم یک خانه دیدیم که از هر نظر عالی بود و حرف نداشت، منتها برای مرغداری، یک راه‌روی دراز بود که تا در را باز می‌کردی، سرویس بهداشتی بود و باید می‌پردی از روش تا برسی به هال. توی هال دوتا زهوار روی دیوار بود. گفتم این‌جا چیه؟ گفت نورگیر، گفتم فکر کردم پشه‌گیر، حق دارید نور از پشه نازک‌تره. دو قیدم بعد از هال یک چیزی شبیه میل بود که معلوم بود با طرح اولیه صندلی بوده یا زین چوبی. منتها صاحبخانه توضیح داد که جفت حدس های من غلط است و این یک میل مارکدار است و بعد صاحبخانه تاکید کرد؛ گفتم که خانه مبله است. گفتم بله، ولی الان مبله نیست، بیشتر خانه مبلی شده است؛ یعنی کمی میل بهش مالیده شده است. بعد از بخش مبله، رسیدیم به جایی که سقف چکه می‌کرد و از سوراخ شلنگ آب با فشار می‌پاشید روی ما. گفتم این چیه؟ صاحبخانه گفت عرض کردم که سونا و جکوزی داره خونه. از سونا و جکوزی شناکان رد شدیم و رسیدیم به جایی که یک کمد بود و روی کمد یک گاز پیک‌نیکي بود. گفتم به‌به، شما هم یله؟ صاحبخانه گفت بی‌آدب، گفته بودم که خانه مبله است، این هم اجاق گاز کن‌وود. گفتم یخچال کو؟ گفت کوری شما؟ روش ایستادی. نگاه کردم دیدم برای درامان‌ماندن از جکوزی پریدم روی یک تکه یونولیت که نکو یخچال است. گفتم این‌رو هم کن‌وود زده؟ گفت نه این وستینگ‌هاوس است. بعد گفت برای حفظ انرژی و جلوگیری از گرم‌شدن زمین باید هرروز بروی میدان و یک قالب یخ بچری و بیاوری و با یخ‌شکن خردش کنی و بریزیش توی این. خانه به‌قدری باریک بود که چندبار من و صاحبخانه مالیده شدیم به هم. بنگاهی گفت مثل «کوچه دوستی» این‌قدر به هم نزدیک می‌شوید که نمی‌توانید از هم دور بمانید. هم صاحبخانه حق داشت، هم بنگاهی؛ خانه بی‌ظنیری بود. درواقع بررسی کردم و دیدم طبق نظریه داروین اگر من مدتی اینجا بمانم شبیه مرغ می‌شوم و هزینه‌هام هم کمتر می‌شود و می‌توانم روزی یک دانه تخم بگذارم و تخم را بفروشم و همین‌طوری و با همین سیستم اقتصادی تخم‌مرغی اموارم را بگذارم. صاحبخانه به من گفت: کجایی آقای محترم؟

خواست کجاست؟

حواسم نبود. بنگاهی تکادم داد و گفت: هی... آقای عالمی... به خودم آدمم و نگاهشان کردم و گفتم: قد قد؟ قد قد قد ق!!!!!!

پرنده آبی

#رئیس-جمهور-حامی-خبرنگاران

● **فرارو:** بعد از اینکه تلاش‌های روزنامه‌نگاران برای ثبت انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران با موانعی از سوی وزارت کار مواجه شد، حالا خبرنگاران تصمیم گرفتند شکایت از وزارت کار را در شبکه‌های اجتماعی با هشتگ #رئیس-جمهور-حامی-خبرنگاران پخش روحانی بزنند. «همه اصناف، انجمن دارند؛ اما خبرنگاران پایتخت ندارند». این جمله‌ای است که روزنامه‌نگاران بسیار استفاده می‌کنند، زیرا با وجود فراوانش‌ب‌های بسیاری که در مسیر راه‌اندازی مجدد این انجمن انجام شد؛ اما موانعی در وزارت کار وجود دارد که اجازه ثبت آن را نمی‌دهند. ماجرا از این قرار است که سال گذشته نخستین نشست مجمع مؤسسان انجمن صنفی کارگری روزنامه‌نگاران استان تهران صبح روز پنجشنبه دوم دی در محل وزارت کار با حضور بازرس وزارت کار برگزار شد و بعد از فرایند رای‌گیری، هیئت‌مدیره این انجمن مشخص شدند. بعد از آن وظیفه وزارت کار، ثبت انجمن بود. این همان مانعی است که تا امروز رفق نشده. برخی از منابع می‌گویند: شخص وزیر در این مسئله ورود و شفاف‌ی اعلام کردند برخی از منتخبان شرایط حضور در هیئت‌مدیره را ندارند؛ ولی به گفته هیئت‌مدیره تمامی اعضا طبق اساسنامه واجد شرایط برای حضور در این جایگاه هستند. این برای اولین‌بار است که در انتخابات یک تشکل صنفی بعد از اعلام آرای مجمع عمومی، از کناررفتن منتخبان سخن به میان می‌آید.
باین‌حال و با وجود پیگیری‌های فراوان هیئت‌مدیره منتخب با گذشت سه ماه، از ثبت انجمن از سوی وزارت کار خودداری و این موجب شد هیئت‌مدیره بیانیه‌ای صادر کند. ماجرا آنجایی جالب‌تر شد که رییعی‌ی بار دیگر درباره راه‌اندازی انجمن اعلام کرد هیچ مانعی وجود ندارد و گفت: هیچ مشکلی برای ثبت این انجمن وجود ندارد. دوستان باید بیایند و تعیین سمت کنند.
باین‌حال هفت ماه از برگزاری مجمع عمومی می‌گذرد و با وجود اینکه به‌تازگی سه نفر از نمایندگان مجلس هم به وزیر کار تذکر داده‌اند؛ اما هنوز موانع برطرف نشده است؛ بنابراین روزنامه‌نگاران تصمیم گرفتند روز پنجشنبه (۱۵ تیر) تا پایان روز جمعه (۱۶ تیر) با حضور در شبکه‌های اجتماعی مانند توئیتر، اینستاگرام و با استفاده از هشتگ #رئیس-جمهور-حامی-خبرنگاران مطالبات خود درخصوص انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران را مطرح کنند و به‌نوعی شکایت ریبعی‌ی را پیش روحانی ببرند.

شترخوار

پنجشنبه ۱۵ تیر ۱۳۹۶ • ۱۱ شوال ۱۴۳۸ • ۶ جولای ۲۰۱۷ • سال چهاردهم • شماره ۲۹۰۴ • ۲۰ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۳:۰۹ • اذان مغرب ۲۰:۴۴ • اذان صبح فردا ۴:۱۰ • طلوع آفتاب ۵:۵۵

روزنفرها



به بهانه انتشار خبر وجود ۵۰۰هزار واحد مسکونی خالی در شمال تهران



گزارش فردا

ای شادی آزادی، روزی که تو باز آبی

سعید برآبادی: هوشنگ ابتهاج، شعر عجیبی دارد که آن را با صدای شجریان در خاطره‌ها به ثبت رسانده‌ایم: «ای شادی آزادی، روزی که تو بازآیی، با این دل غم‌پرور، من با تو چه خواهم کرد؟». تردید این سؤال نه برای انکار پانکوبی لحظه‌های شاد آزادی است، بلکه به‌دلیل خورگرفتن دل آدم‌های گرفتار به مقوله «غم» است و سخت‌بودن خروج از این وضعیت روانی. روزی که خبر آزادی بخش‌هایی از موصل هم در شبکه‌های اجتماعی دست به دست شد، صورت ثبت‌شده موصلی‌ها در اولین تصاویر آزادی، کوبی همین حالت خورگرفته با غم را نشان می‌داد تاجایی‌که بازخوردهای این آزادی نه شادی و لهله‌له که اندوه و تأسف بود. از لحظه اسارت موصل در چنگال شوم جنگ و غارتگری، فیس‌بوک و توئیتر رسانه مردم بی‌پناه و بی‌رسانه آنجا شد؛ تجربه‌ای که پیش‌تر درباره کوبانی و شنگال هم اتفاق افتاده بود. داعش، از آن بکتیک و بهره‌برداری از فناوری‌های رسانه‌ای و



سینمایی، فخر فروخته بود به آنهایی که شاهدان خاموش سربریدن‌ها و تیرباران‌ها شده بودند، می‌خواست مقاومت یک شهر کوچک در شمال غرب عراق به چشم نیاید و در خاموشی صداها، صدای مردم مظلوم موصل را خفه کند؛ اما این اتفاق نیفتاد، موقعیت سیاسی و جغرافیایی موصل، این شهر را به سرخط خبرها آورد، به‌ویژه آنکه فشار داعش برای منتشرشدن اخبار این شهر، مردم را به کوچک‌ترین تحرکات جنگی این منطقه حساس کرده بود.

حال انتشار اولین عکس‌ها، واقعیت تلخ چندین ماه محاصره و نبرد در موصل را آشکار می‌کند، مردمی که اولین آزادگان این شهر هستند، به‌تازده، نگران، گرسنه، کثیف و خسته از پناهگاه‌هایی که در خانه‌ها و زیرزمین‌های خود کنده بودند بیرون آمده‌اند و به سمت آینده‌ای نامعلوم حرکت می‌کنند. بسیاری از آنها حتی نمی‌دانند از امروز باید از کدام لباس‌های نظامی بترسند و لباس کدام

امروز و فردا برای دانش‌آموزان ایرانی که تحصیل خود را در مدارس به پایان رسانده‌اند، روزهای مهمی هستند؛ روزهای مواجهه با یکی از ترس‌هایی که ما برایشان به وجود آورده و در آذهانشان پرورش داده‌ایم؛ غولی به نام کنکور.

درست است که هرچه جلوتر می‌رویم، سختی پذیرش در این آزمون کشوری کاسته شده و دانش‌آموزان با خیال آسوده‌تری برای شرکت در این رقابت ملی آماده می‌شوند؛ اما این سؤال همچنان پابرجاست که آیا اصلا با چنین روش آموزشی‌ای می‌توان به پرورش استعداد‌های کودکان و نوجوانان‌مان امید بست؟

آموزش‌وپرورش در ایران، حکایت تاریخی طول‌ودرازی دارد که پرداختن به آن، آن هم درست در این روزهایی که به نام کنکور سند خورده‌اند، جایز نیست؛ اما نگاهی به شرایط دانش‌آموزان و حتی

نگاه

فیلترینگ استارت‌آپ‌ها یا چالش‌های اشتغال جوانان

شرق: دولت یازدهم با شعار گسترش همه‌جانبه شبکه اینترنتی کشور در چهار سال گذشته، به دورترین روستاها و شهرهای کشور خدمات‌رسانی کرده و حالا هر کسی در هر جای ایران می‌تواند براساس تعرفه‌هایی که زیاد هم ارزان و دقیق نیستند، از فضای مجازی بهره ببرد؛ اما گروهی که همواره مخالف گسترش اینترنت بوده‌اند، حالا که پای سودهای اقتصادی کلان به میان آمده، از مدعیان بهره‌برداری از خدمات ارتباطی دولت هستند و اگر نتوانند در این زمینه به سهم خود برسند، به ایجاد اخلاخ در مسیر آن دامن می‌زنند. قربانیان اصلی چنین منازعه‌ای، شرکت‌های خصوصی، سامانه‌های آنلاین خرید و فروش و به‌طورکلی، استارت‌آپ‌هایی هستند که به صورت تخصصی، از فضای مجازی در چارچوب قانون درآمذزایی می‌کنند. چند روزی است که یکی از بزرگ‌ترین سامانه‌های آنلاین رزرو هتل در کشور فیلتر شده است. آوردن نام این سامانه ممکن است جنبه تبلیغاتی پیدا کند؛ اما آن‌ها که عاشق سفر هستند، می‌دانند کار چنین سامانه‌هایی صرفاً یک کار اقتصادی نیست؛ بلکه اگر امروز در ایران، شاهد افزایش گردشگران داخلی و خارجی، گسترده‌شدن انواع سفرها و... هستیم، بخشی از آن حاصل رحمت چنین وب‌سایت‌هایی در زمینه فرهنگ‌سازی سفر و معرفی ایران به‌عنوان قطب گردشگری منطقه است. مدیران این سامانه می‌گویند که برای پیگیری فیلترینگ سایت خود به همه نهاده‌ها و ارگان‌های مربوطه از جمله وزارت ارتباطات، معاونت علمی و فناوری، سازمان نظام صنفی رایانه‌ای، اتحادیه کسب‌وکارهای اینترنتی، کمیته فیلترینگ و حتی خود معاون گردشگری سازمان میراث فرهنگی و گردشگری مراجعه کرده‌اند؛ اما هنوز به‌درستی روشن نیست که رفع فیلتر چه زمانی و از طریق چه نهادی باید صورت بگیرد. بسیاری از سامانه‌ها وب‌سایت‌هایی که به‌تازگی چنین سرانجامی پیدا کرده و در محاق فیلترینگ قرار گرفته و اساسا استارت‌آپ به حساب می‌آیند؛ شیوه و روشی تازه که به جوانان مبدع، متفکر، خلاق و نخبه، اجازه حضور در فرایند اشتغال‌آفرینی و دانش‌افزایی را می‌دهد؛ این هم در جامعه‌ای که بی‌کاری و صندلی‌های همیشه‌مشغول مدیران میان‌سال، ظرفیتی برای حضور جوانان در بخش‌های دولتی، نیمه‌دولتی و حتی خصوصی را فراهم نمی‌کند. حال این سؤال در روزهای انتخابات، روحانی را به بی‌کارکردن جوانان و ایجادنکردن اشتغال پویا و مانا متهم می‌کردند، اکنون خود از طرفداران متوقف‌شدن استارت‌آپ‌ها و فعالیت خصوصی جوانان در حوزه تجارت الکترونیک هستند. اهمیت این سؤال و سؤالاتی از این دست وقتی بیشتر می‌شود که بدانیم درحال‌حاضر بخشی از مهم‌ترین فعالیت‌های تجاری کشور، بخش مهمی از فعالیت‌های خدنه‌ای و حتی بخش جدیدی از خدمات حمل‌ونقلی در کشور، با استارت‌آپ‌هایی که همین جوانان، بذ آن را در این ایام، نه مدرسه رفته‌اند و نه تغذیه درست و حسابی داشته‌اند. کودکانی که شاهد مرگ یا بردگی مادران و خواهرانشان بوده‌اند و همواره این تهدید را احساس می‌کرده‌اند که ممکن است با غفلتی ساده، طعمه مین‌گذاری‌های داعش در پارک‌ها و مکان‌های عمومی شهر شوند. به‌خاطر مجموع این دردها و رنج‌هاست که موصلی‌ها، این روزها آه می‌کشند و لاید زیر لب جمله‌ای عربی می‌گویند که ترجمه‌اش چنین خواهد بود: «ای شادی آزادی، روزی که تو بازآیی، با این دل غم‌پرور، من با تو چه خواهم کرد؟»

سلام به فردا

بعد از کنکور چه می‌شود؟ هیچ!

دانشجویان در این نظام آموزشی یادآور این نکته است که ما با فرایند آموزشی ناکارآمدی مواجهیم که جز کشتن استعداد‌های آینده این مرز و بوم و هدایت آن‌ها به مسیری غیرخلاقانه، تکراری و مبتنی بر محفوظات کار دیگری بلد نیست. نیازهای متعددی از ناحیه آینده‌سازان ایران در نظام آموزش‌وپرورش ایران بی‌پاسخ مانده است؛ آن هم در زمانه‌ای که وزارت آموزش‌وپرورش یکی از چالش‌برانگیزترین حوزه‌های نظام اجرایی کشور محسوب می‌شود. در چنین شرایطی، آنهایی که فردا به جلسات کنکور می‌روند، جز همان مدرک دیپلم، چیز دیگری بلد نیستند و البته قرار نیست دانشگاه‌ها و دانشکده‌های ما هم چیز بیشتری به آن‌ها بیاموزند و این چنین است که ما در جامعه‌ای پر از دکترو مهندس زندگی می‌کنیم؛ اما وقتی‌که نیازمند یک تکنیسین کاربلد و ماهر هستیم، جست‌وجو برای یافتن سوزن در انبار کاه شروع می‌شود. خانواده‌های شما می‌دانند که چه مرارت‌ها کشیده‌اید که در کنکور امسال بهترین نتیجه را بگیرید؛ اما بعد از موفقیت در کنکور چه می‌شوود؟ تابه‌حال از خود پرسیده‌اید که این مدارک آموزشی با چه هدفی صادر می‌شوند؟

یادداشت

همه در یک کشتی نشسته‌ایم

محدود بود- بسیار مؤثرند. در اوج این جنگ‌ها، درجایی‌که اسلحه معمولی کاربرد مؤثری ندارد، جنگ شیمیایی (با مواد شیمیایی ساخت همین کارتل‌های قدرتمند اسلحه) شروع می‌شود. حال با تبلیغات و صحنه‌سازی‌ها، این جنگ‌ها در ظاهر تحت لوای نژاد، مذهب، ملیت و... صورت می‌گیرند؛ درحالی‌که در همان آفریقا مواردی وجود دارد که همه دسته‌های جنگجو از یک قوم و مذهب‌اند (نمونه سومالی با کمترین تنوع قومی، زبانی، مذهبی و...)؛ اما در سال‌های اخیر این جنگ‌ها محدود به کشورهای فقیر آفریقایی، آسیایی و آمریکای لاتین نیست؛ این جنگ به صورت تروریسم در قلب اروپا و آمریکا (واقعۀ سپتامبر ۲۰۰۱) نمایان شده است و داد مردم همیشه در رفاه این کشورها را درآورد است. آن‌ها مسلمانان را نشانه گرفته‌اند (شاید به‌خطر آنکه اغلب این مردم فقیر اتفاقاً مسلمان بودند). چه می‌شود کرد؟ تنها راه کمک به مردم گرسنه از طریق وام، سرمایه‌گذاری کشورهای غنی و فرهنگ‌سازی و آموزش به آنهاست. باید بی‌عدالتی را در دنیا حداقل تعدیل کرد؛ هم در سطح جهان و هم در سطح محلی. مسلمانا مردم گرسنه برای همیشه گرسنگی و بی‌عدالتی را تحمل نخواهند کرد؛ بنابراین راه نفع ثروتمندان است (هم در سطح محلی و هم در سطح جهانی) که بخشی از ثروت بادآورده و گاه چپاول‌کرده خود را به فقرا بدهند (البته نه به صورت صدقه بلکه به صورت کمک‌های زیربنایی، آموزشی، سرمایه‌گذاری و...) و به‌جای تهیه وسایل ایمنی (از اتومبیل‌های ضدگلوله تا دوربین‌های مداربسته، گرفتن محافظان گران‌قیمت و...)، با فقرا و به‌ویژه جوانان بی‌کار برسند (سنتی که به صورت وقف و خیریه در کشورمان سابقه‌ای به اندازه تاریخ‌مان دارد). متأسفانه امروزه گاه بعضی از همین نهاده‌ها به ضدخود بدل شده‌اند و از خیریه‌ها به‌عنوان وسیله‌ای برای ثروت‌اندوزی بهره می‌گیرند.

خبر

شامل بیماری قلبی عروقی، سکته، سرطان‌های خاص، بیماری تنفسی، بیماری گوارشی، دلایلی مانند زودایمی و مرگ ناشی از آسیب‌دیدگی و همچنین خودکشی بعد از درنظرگرفتن مؤلفه‌های مختلف مانند سن، جنسیت و وضعیت اقتصادی- اجتماعی سوزه‌های مورد بررسی، محققان دریافتند میزان بهره هوشی بالاتر در دوران کودکی با خطر پایین‌تر مرگ‌ومیر تا ۷۹سالگی مرتبط بود. به‌طور مثال، نمره بهره هوشی بالاتر، از افراد با بهره هوشی پایین‌تر عمر می‌کند اما این یافته‌ها عمدتاً مبتنی بر داده‌های سربازان مرد و فقط تا دوره میان‌سالی آنها بودند. به‌تازگی تیمی از محققان دانشگاه ادینبرو ارتباط بین نمرات تست هوش کودکان در ۱۱سالگی و دلایل اصلی مرگ‌ومیر این افراد در ۷۹سالگی را بررسی کردند. یافته‌های آنها مبتنی بر داده‌های ۳۳هزارو ۵۳۶ مرد و ۳۲هزارو ۲۲۹ زنی است که در سال ۱۹۳۶ در اسکاتلند متولد شده بودند. این افراد در ۱۱سالگی یک آزمون هوش را از سر گذرانده بودند و داده‌های مبتنی بر دلایل مرگ‌ومیر آن‌ها تا دسامبر سال ۲۰۱۵ بررسی شد. دانشمندان دریافتند دلایل مرگ‌ومیر در این افراد می‌توان مشاهده کرد.

حقایقی درباره ضرب‌هوشی بالا

ایسا به نقل از سایت فیز: دانشمندان دریافت‌اند میزان بهره هوشی بالا در کودکی، با خطر پایین‌تر مرگ‌ومیر و ابتلا به زوال عقل در بزرگ‌سالی مرتبط است. این بزرگ‌ترین مطالعه تا به امروز است که دلایل مرگ‌ومیر در زنان و مردان را در طول فرایند زندگی آن‌ها گزارش می‌کند. تحقیقات قبلی نشان داده بود به‌طورمثال، افراد دارای بهره هوشی بالاتر، اندکی بیش از افراد با بهره هوشی پایین‌تر عمر می‌کنند اما این یافته‌ها عمدتاً مبتنی بر داده‌های سربازان مرد و فقط تا دوره میان‌سالی آنها بودند. به‌تازگی تیمی از محققان دانشگاه ادینبرو ارتباط بین نمرات تست هوش کودکان در ۱۱سالگی و دلایل اصلی مرگ‌ومیر این افراد در ۷۹سالگی را بررسی کردند. یافته‌های آنها مبتنی بر داده‌های ۳۳هزارو ۵۳۶ مرد و ۳۲هزارو ۲۲۹ زنی است که در سال ۱۹۳۶ در اسکاتلند متولد شده بودند. این افراد در ۱۱سالگی یک آزمون هوش را از سر گذرانده بودند و داده‌های مبتنی بر دلایل مرگ‌ومیر آن‌ها تا دسامبر سال ۲۰۱۵ بررسی شد. دانشمندان دریافتند دلایل مرگ‌ومیر در این افراد می‌توان مشاهده کرد.



گیتی افتاد
معمار و شهر ساز

کشتی شکستگانیم ای باد شرطه بر خیز باشد که باز بنییم دیدار آشنا را

بعضی محققان محیط زیست معتقدند اگر در گوشه‌ای از این جهان خاکی- پروانه‌ای بال بزنند، اثر آن را در آن سر جهان می‌بینیم. شاید این حرف به‌نظر اغراق‌آمیز باشد، اما اگر به تحقیقات، رویدادها، مسائل و مشکلات این کره خاکی با دقت بنگریم، این برداشت را زیاد دور از حقیقت نمی‌یابیم. در کتاب باارزش و بسیار جالب «تبهکاران اقتصادی»،^۱ دو محقق ارزشمند با استفاده از تحقیقات خود و دیگران این وابستگی پیچیده را به‌خوبی نشان داده‌اند. سال‌هاست جنگی بی‌امان در آفریقا، خاورمیانه و آمریکای لاتین دل هر انسان باوجدانی را به درد می‌آورد و او را از اینکه نمی‌تواند کاری انجام دهد، شرمندۀ می‌کند؛ ولی متأسفانه آنهایی که قادر به انجام کارهای بسیاری هستند، با وجدان بیداری ندارند یا خود مسبب اصلی این رویدادها هستند. طبق این تحقیقات، رابطه نزدیکی بین مسائل اقتصادی و جنگ‌های بی‌پایان و گاه موسمی در کشورهایی که عمدتاً گرفتار خشک‌سالی و به‌دنبال آن قحطی و گرسنگی می‌شوند، وجود دارد. به این صورت که بعد از دوران خشک‌سالی، کشاورزان و به‌ویژه جوانان این جوامع که امیدی به زنده‌ماندن و به‌دست‌آوردن قوتی لایموت ندارند، به گروه‌های یاغی می‌پیوندند (یا این گروه‌ها را تشکیل می‌دهند) و با دولت این کشورها به جنگ می‌پردازند. اما چه رابطه‌ای بین این خشک‌سالی‌ها در آفریقا و سایر نقاط جهان با کشورهای غنی مانند آمریکا و چین وجود دارد؟ آمار نشان می‌دهد رونق اقتصادی چین و آمریکا حداقل ۴۰ درصد CO2 جهان را تولید می‌کنند. این امر باعث گرم‌شدن زمین می‌شود و این گرم‌شدن، در افزایش خشک‌سالی‌های زمین مؤثر است. مسلماً در این میان بازار فروش اسلحه نیز از طرف تولیدکنندگان آن در کشورهای ثروتمند و ثروتمندان این جنگ‌ها -که به بدون اسلحه شاید هرگز رخ نمی‌داد یا مانند جنگ‌های سنتی فقط با تیروکمان و در زمان و مکان